

[تبدیل قصاص به دیه 2](#_Toc510904235)

[ادله جواز تبدیل 2](#_Toc510904236)

[وجه اول: روایات قتل زن توسط مرد 2](#_Toc510904237)

[وجه دوم: عدم جواز تبدیل مستلزم ابطال حق و دم 3](#_Toc510904238)

**موضوع**: قتل به تسبیب/مراتب تسبیب/مرتبه چهارم/اشتراک در قتل /قتل عمد /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد اشتراک انسان و حیوان در قتل انسان دیگر و چگونگی ضمان و مسؤولیت این جنایت بود.

مرحوم آقای خویی قدس سره قید مسلمان را هم در این مسأله مطرح نموده است[[1]](#footnote-1) که به نظر می رسد، موضوعیتی ندارد و تنها دخالت این قید در قضیه تکافؤ و تساوی جانی و مجنی علیه است که در جای خود، بحث می شود، اما آن چه در این جا مهم است، صرف حیثیت مسؤولیت است؛ اعم از این که به قصاص باشد یا به پرداخت دیه.

بحث در مقطع اول؛ در مورد لزوم رد فاضل دیه برای مطالبه قصاص بود که بیان شد مشهور قائل به لزوم پرداخت فاضل دیه شده اند؛ اما حق این است که در این مواردی گه یک طرف از جانیان مشارک در جنایت، قابلیت تحمل ضمان و مسؤولیت را ندارد؛ به این معنا که اراده مصحح تکلیف نداشته باشد؛ فعل و جنایت تماما به انسان مشارکت با این حیوان منتسب می شود و مورد فوق از مواردی می شود که عاملی مثل ضعف مجنی علیه به ضمیمه ضربه جانی باعث قتل شده باشد که در آن حکم به استناد تمام جنایت به انسان شده است؛ کما اینکه در عبارت مرحوم علامه قدس سره هم که در مورد ضمیمه شدن حادثی تکوینی به جنایت انسان؛ این گونه به مشهور نسبت داده شده است.[[2]](#footnote-2)

در این فرض از آن جا که حادث امری تکوینی و غیر اختیاری است، مسؤولیت تمام جنایت متوجه انسانی است که فعلش به ضمیمه این امر تکوینی منجر به قتل شده است.

تبدیل قصاص به دیه

آیا ولی دم حق تبدیل قصاص به دیه در این فرض را دارد یا اینکه تنها حق مطالبه قصاص را دارا است و نهایتا به واسطه مصالحه امکان اخذ دیه وجود داشت.

مرحوم آقای خویی ره وفاقا با مشهور این تبدیل را جایز می داند، ولی از آن جا که فعل جنایت عمدی است و در عمد گفته می شود که قصاص موضوع است؛ جواز تبدیل احتیاج به دلیل دارد.

بر طبق نظر مشهور ولی دم وضعا حق مطالبه دیه را ندارد، و فقط حقش در الزام به قصاص است، اما با این وجود تکلیفا دیه بر جانی لازم است؛ چرا که حفظ نفس واجب است.

اما حق این است که وضعا نیز این مطالبه جایز است و ولی دم می تواند جانی را ملزم به پرداخت دیه نماید.

مرحوم آقای خویی ره نیز با توجه به نظر مشهور که در جنایات عمدی قصاص را متعین می دانند؛ برای جواز تبدیل به سه وجه تمسک نموده است و به عبارت دیگر؛ به واسطه این سه دلیل قائل به تخییر ولی دم نسبت به اختیار قصاص یا مطالبه دیه شده است.[[3]](#footnote-3)

ادله جواز تبدیل

وجه اول: روایات قتل زن توسط مرد

اولین دلیلی که مرحوم آقای خویی ره در مقام بدان استدلال نموده است؛ روایات وارده در مورد قتل زن توسط مرد است، که در روایات متعددی آمده است که ولی دم حق قصاص دارد منتهی با رد فاضل دیه و یا این که می تواند به جای قصاص، نیمی از دیه را اخذ نماید.

ایشان از این روایات الغای خصوصیت نموده است و از مورد قتل زن توسط مرد به ما نحن فیه که در آن جانی مشارک با حیوان جزء قاتل است؛ تعدی می کند و لذا حکم به جواز تبدیل قصاص به دیه می کند.

نکته: وجه انحصار بیان ایشان نسبت به این روایات در کلام مرحوم آقای خویی قدس سره چیست؟ در حالی که در روایات «رجلان قتلا» هم این تخییر دیده می شود.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ فِي رَجُلٍ قَتَلَ امْرَأَتَهُ مُتَعَمِّداً- قَالَ إِنْ شَاءَ أَهْلُهَا أَنْ يَقْتُلُوهُ قَتَلُوهُ- وَ يُؤَدُّوا إِلَى أَهْلِهِ نِصْفَ الدِّيَةِ- وَ إِنْ شَاءُوا أَخَذُوا نِصْفَ الدِّيَةِ خَمْسَةَ آلَافِ دِرْهَمٍ- وَ قَالَ فِي امْرَأَةٍ قَتَلَتْ زَوْجَهَا مُتَعَمِّدَةً- قَالَ إِنْ شَاءَ أَهْلُهُ أَنْ يَقْتُلُوهَا قَتَلُوهَا- وَ لَيْسَ يَجْنِي أَحَدٌ أَكْثَرَ مِنْ جِنَايَتِهِ عَلَى نَفْسِهِ.***[[4]](#footnote-4)***

البته روایات این باب، محدود به این روایت نیست و روایات متعددی در آن وجود دارد که مضمون واحدی با این روایت دارد.

وجه دوم: عدم جواز تبدیل مستلزم ابطال حق و دم

تعین حق ولی دم در قصاص در این موارد، مستلزم ابطال حق در بسیاری از موارد است؛ چرا که برای مطالبه قصاص، ولی دم ملزم به پرداخت فاضل دیه و نصف دیه انسان است و از آن جا که ممکن است در برخی موارد ولی دم تمکن از پرداخت این مقدار از دیه نداشته باشد؛ قصاص ترک خواهد شد و ترک قصاص هم مستلزم ابطال دم و نفس محترم است که در روایات متعددی نفی شده است.

بنابراین در مواردی که قصاص مستلزم رد فاضل دیه است، از باب حفظ حق و عدم ابطال دم و نفس محترم، تعین قابل التزام نیست.

1. . [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج42، ص30.](http://lib.eshia.ir/71334/42/30/) [↑](#footnote-ref-1)
2. . إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، ج‌2، ص: 196. [↑](#footnote-ref-2)
3. . [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج42، ص31.](http://lib.eshia.ir/71334/42/31/) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج29، ص80، أبواب قصاص فی النفس، باب33، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/29/80/) [↑](#footnote-ref-4)